چه‌خبر از سیما

تصویربرداری «آخر خط» از هفته آینده آغاز می‌شود

تصویربرداری سریال « آخر خط» علیرضا مسعودی پس از دو هفته توقف، از هفته آینده باردیگر در سوهانك تهران شروع می‌شود.
به گزارش سیما فیلم، مجید میرخان، تهیه‌کننده آخر خط درباره شروع مجدد تصویربرداری این مجموعه پس از دو هفته توقف گفت: به دلیل مشکلات مالی تصویربرداری این پروژه دو هفته متوقف شد و با گفت‌وگوهایی که با مدیر سازمان صداوسیما و مسؤولان شبکه سه سیما داشتیم، این سریال برای پخش در شبکه سه آماده می‌شود.

تصویربرداری مجموعه آخر خط به نویسندگی و کارگردانی علیرضا مسعودی از دوماه پیش در منطقه سوهانك شروع شده و تا پایان اسفند نیز همچنان در این منطقه ادامه دارد و پس ازآن گروه برای ضبط پایان کار به مدت دو ماه راهی لبنان می‌شوند.
امیر غفارمنش به‌عنوان جدیدترین بازیگر، سه‌هفته پیش با این پروژه قرارداد بسته و جلوی دوربین رفته است. غفارمنش در آخر خط در نقش یك روحانی بازی دارد.
مجموعه آخر خط مضمونی کمدی و طنز دارد و داستان دو پسرخاله است که بسیار شرور هستند و خانواده‌ها از دست این دو نفر به ستوه آمده‌اند. این دو به دلیل انجام جرمی به زندان می‌افتند و ازآنجا تصمیم به مهاجرت از کشور می‌گیرند که ....
شهین تسلیمی، کمند امیرسلیمانی، عباس جمشیدی‌فر، اشکان اشتیاق، داریوش سلیمی، علی صبوری غزال وکیلی و مهسا باقری مهران رجبی و امیر غفارمنش تاکنون جلوی دوربین در این سریال رفته‌اند.
دیگر عوامل سریال عبارتند از: کارگردان تلویزیونی: محمود رضایی، تولید: شکیل مظفری، دستیار اول کارگردان: احسان سجاد حسینی، مدیر صدابرداری: محمد شیوندی، صدابردار: حامد شیوندی، فیلمبرداران: مرتضی نجفی، امیرمحمد قربانخانی؛طراح گریم: محمد قومی، طراح صحنه: محسن غلامی، طراح لباس: زهره رحمانی، مدیر برنامه‌ریزی: نوشین شکری، مدیر تدارکات: سعید میرزایی، منشی صحنه:مهدیه درگاهی نژاد، عکاس: فاطمه بانك، نورپرداز: حسن زارعی، مسؤول فنی: حمیدرضا حکیم الهی.

تصویربرداری «نون.خ» در میان برف و سرمای شدید

سازندگان سریال «نون.خ» در حالی تصویربرداری را ادامه می‌دهند که بارش برف و سرمای شدید، گروه را با دشواری‌هایی مواجه کرده است.
به گزارش مشاور رسانه‌ای پروژه، مجموعه تلویزیونی «نون.خ» به کارگردانی سعید آقاخانی و تهیه‌کنندگی مهدی فرجی که برای پخش در ایام نوروز ۹۸ از شبکه یك سیما آماده می‌شود، از اواخر آذر مراحل تصویربرداری را آغاز کرده است. این در حالی است که با بارش برف و استقرار سامانه هوای سرد در منطقه مربوط به فیلمبرداری، گروه با تلاش مضاعفی کار ضبط تصاویر را پیش می‌برند. تدوین همزمان مجموعه را نیز امیرشیبان خاقانی پیش می‌برد. در سکانس‌های دیروز (یکشنبه ۳۰ دی) که در یك قنادی ضبط شد، سعید آقاخانی در نقش نوری و محمد زارع‌زاده در نقش رضا قناد بازی داشتند. تاکنون بیش از ۳۰ درصد تصویربرداری انجام شده است.
این مجموعه تلویزیونی کاری از گروه فیلم و سریال شبکه یك سیماست که در ۱۶ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای تولید می‌شود.

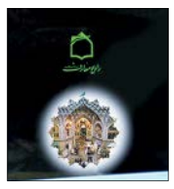

بیان احکام عمومی بازار در رادیو معارف

برنامه «زمزم احکام» از چهارم بهمن پاسخگوی سوالات شنوندگان با موضوع احکام عمومی بازار و خرید و فروش خواهد بود.
به گزارش روابط‌عمومی رادیو معارف، برنامه زمزم احکام که اختصاص به پاسخگویی به سوالات شرعی شنوندگان دارد از چهارم بهمن به بررسی احکام عمومی بازار و خرید و فروش آن می‌پردازد.
این برنامه به همت گروه فقه و اندیشه و با کارشناسی حجت‌الاسلام حسین وحیدپور سه‌شنبه تا پنجشنبه تقدیم شنوندگان خواهد شد.
زمزم احکام به تهیه‌کنندگی و سردبیری علی اسماعیلی و مجری کارشناسی سیدمرتضی موسوی‌نژاد هر روز ساعت ۱۱ و ۱۵ دقیقه روی آنتن می‌رود.
مخاطبان این رسانه دینی می‌توانند با طرح سؤالات شرعی خود از طریق شماره‌های ۲-۰۲۵۳۲۹۱۰۵۵۱ یا سامانه ۳۰۰۰۰۵۵۳ اقدام کرده و پاسخ خود را از امواج فضیلت و فطرت دریافت کنند.

آرزوی کودک شرکت‌کننده در «کودک‌شو» اشک همه را درآورد

قصه کربلایی مبینا

ادامه از صفحه ۵

آرزوی بزرگ مبینا کوچولو

بازغی در قسمتی از برنامه که به بخش پرسش و پاسخ از پدر و مادر و مقایسه پاسخ‌های آنان با کودکشان اختصاص داشت از بزرگ‌ترین خواسته یا آرزوی مبینا پرسید که آقای سالمی جواب داد: دوست دارد با پدر و مادرش به کربلا برود. بعد از این پاسخ نوبت به مبینا رسید و او هم با زبانی کودکانه خواسته‌اش را که کربلا رفتن همراه والدین است، تکرار کرد و اینجا بود که خانواده از این موفقیت غرق شادی شدند و در چند ثانیه این خنده به اشك بدل شد.

لحظه‌هایی از جنس احساس

وقتی مهمانان از جنس مردم عادی باشند، رخ دادن چنین اتفاقاتی در برنامه دور از ذهن نیست. باید انتظار داشت در لحظه با یك کلام و یك نگاه کل معادلات چیده شده برنامه بر هم بخورد و آن را از فرمت همیشگی خود خارج کند. هرچند تمام این اتفاقات معمولا در نهایت به سود برنامه تمام می‌شود.
پیش‌تر هم شاهد چنین لحظات نابی که پر از حس زندگی است در برنامه‌هایی چون ماه عسل و سری‌های پیشین کودك شو بوده‌ایم، حضور خانواده تقی‌پور در این برنامه و تلاش آنان برای بقا در مسابقه یکی از این قسمت‌ها بود. زمان غافلگیری یك مهمان در میانه برنامه یا زمانی که بی‌برنامه‌ریزی و پرده‌پوشی احساسات خوشایند و ناخوشایند شرکت‌کننده‌ای در لحظه روی آنتن می‌رود نیز در این زمره است. همان‌گونه که گفته شد، زمانی می‌توان انتظار بروز چنین لحظه‌هایی را در برنامه داشت و از شیرینی آن بهره برد که ساختار برنامه بستر آن را فراهم کرده باشد. برنامه‌هایی که از مهمانان غیرسلبریتی دعوت و آنان را با چالش‌هایی از جنس چالش‌های زندگی مواجه می‌کنند، با هوشمندی این اتفاقات را رقم می‌زنند.
نصیری شهرضایی، تهیه‌کننده این برنامه در این‌باره به جام‌جم می‌گوید: الان جامعه ما به این شفافیت و واقعی بودن برنامه‌ها احتیاج دارد. باید بدون صحنه‌سازی با مردم برخورد کنیم. از جنس مردم باشیم به دلشان می‌نشینیم. ما در کودك شو به‌دنبال همین جنس ارتباط با مخاطب هستیم. این آرزوی قلبی مبیناست و از سر ظاهرسازی نبود. بسیاری از چنین اتفاقاتی در برنامه‌شان می‌ترسند و آن را شعاری می‌دانند، اما ما می‌گوییم اگر از زبان خود مردم مطرح شود و در لحظه اتفاق بیفتد خوب است. مثلا زمانی که ترامپ سر کار آمد و تحریم‌ها بازگشت، دختر یکی از خانواده‌ها در برنامه شعر ایران را با محتوای ضد استکبار خواند و این قسمت در فضای مجازی منتشر و بسیار دیده شد و به دل مردم نشست؛ آن خانواده هم رای بالایی آورد. این دست اتفاقات مستقیم‌گویی نیست، ولی اگر در یك برنامه بیفتد، باعث فرهنگ‌سازی می‌شود. جمعه گذشته در برنامه اتفاق مشابهی افتاد و پدر یکی از خانواده‌ها که در مرحله اعلام رای‌گیری حذف شدند در مورد مدافعان حرم با آقای بازغی صحبت کرد. اگر بخواهیم از روی ظاهر قضاوت کنیم اصلا به این آقا نمی‌آمد که چنین نظری داشته باشد. ایشان گفت برای مسافرت به سوریه رفتم؛ در آنجا با مدافعان و جانبازان حرم آشنا شدم و آنجا نگاهم به این افراد تغییر کرد. دیدم آنها هم بچه‌های هم‌سن من دارند، اما فلج یا شهید شده‌اند.
فکر کردم من می‌توانم با بچه‌هایم در خانه بازی کنم آن وقت این خانواده‌ها در چنین شرایطی هستند، با خود عهد کردم اولین جایی که توانستم در مورد این عزیزان صحبت و از آنان تشکر کنم. بعد از این حرف‌ها اشك خانم ایشان درآمد. می‌خواهم بگویم از این لحظات احساسی در برنامه داشته‌ایم.
این اتفاق قرار است در برنامه‌های ما در دهه فجر هم رخ دهد. در این ویژه برنامه‌ها سرودهای قدیمی و انقلابی را به شکل ویژه و اندکی کودکانه توسط خانواده‌ها بازخوانی کردیم.

> نصیری: بسیاری از چنین اتفاقاتی در برنامه‌شان می‌ترسند و آن را شعاری می‌دانند اما ما می‌گوییم اگر از زبان خود مردم مطرح شود و در لحظه اتفاق بیفتد خوب است

کودك شو

درنگ

کودك‌شو این روزها سری سوم خود را روانه آنتن شبکه نسیم کرده و پس از محرم و صفر تا امروز حدود ۲۰ قسمت از این برنامه پخش شده است.
کودك شو در طول این مدت و پس از فصل نخست به چارچوب مشخصی رسید که تا امروز آن را حفظ کرده است. این برنامه به تهیه‌کنندگی رضا نصیری و ابوذر پورمحمدی و با اجرای پژمان بازغی قرار است آموزشی برای محبت میان زوج‌ها و شناخت بچه‌ها باشد. آنچنان که در توضیح این برنامه آمده: کودك شو یك مسابقه خانوادگی است که در آن خانواده‌ها برای جایزه بزرگ با هم رقابت می‌کنند، اما بچه‌ها در دنیای کودکانه خود به بازی مشغولند! این برنامه شامل بخش‌های غیررقابتی، طنز و سرگرمی هم هست و از شنبه تا سه‌شنبه ساعت ۲۳ پخش و ساعت ۱۱ و ۱۷ روز بعد بازپخش می‌شود. جمعه‌ها نیز ساعت ۲۱ روی آنتن می‌رود. خانواده‌هایی که تمایل به حضور در برنامه دارند می‌توانند فرم ثبت‌نام را از سایت شبکه نسیم دریافت کنند تا پس از بررسی آن توسط کارشناسان برنامه در بخش اول مسابقه که به صورت مستند خواهد بود، حاضر شوند و سپس با سنجش کارشناسان و هنرمندان از آنها و در نظر گرفتن میزان تواناییشان جهت حضور در برنامه دعوت شوند.

نگاهی به سریال «آنام» به مناسبت پخش از آی‌فیلم:

مادرانه

یاسمن خلیلی‌فرد
رسانه

برای نگارنده این یادداشت که اصولا آدم سریال‌بینی نیست، «آنام» شاید یکی از نقاط عطف زندگی‌اش به حساب بیاید، چراکه توانست او را پس از مدت‌ها با دیدن سریال آشتی بدهد!
پخش آنام به کارگردانی جواد افشار، سال گذشته از شبکه سه سیما آغاز شد که تا اوایل سال جاری نیز ادامه داشت.
خط اصلی داستانِ آنام شاید همان قصه آشنای جدایی مادر و فرزند از یکدیگر باشد که بارها دستمایه ساخت آثار مختلفی قرار گرفته است اما درحقیقت، آنچه این مجموعه را از دیگر آثار مشابه خود متمایز می‌کند ساختار درست آن است.

پیوند حال و گذشته

آنام در قالب یک روایت خطی کلیشه‌ای و آشنا پیش نمی‌رود، بلکه طرح داستان‌های فرعی و تقسیم روایت به دو فاز حال و گذشته، به روایت جان می‌بخشد.
همان‌طور که اذعان داشتم، آنام دو فاز دارد. بخش‌های گذشته و حال، با بازیگرانی مجزا جلوی دوربین رفته‌اند که این انتخاب، کار را از خطر موردانتقاد واقع شدن به جهت طراحی غیرهوشمندانه چهره‌پردازی (که پیشتر گریبان سریال کیمیا را گرفته بود) مصون نگاه می‌دارد اما به لحاظ منطقی کمی دور از ذهن است، چراکه درواقع هیچ شباهتی میان بازیگران فاز گذشته و حال به لحاظ ظاهری دیده نمی‌شود. اما اساسا رفت و آمد به گذشته محاسنی هم دارد؛ مثلاً توجه به آیین‌های بومی و فولکلور ایرانی که فارغ از نگاه یکسویه و متعصبانه به‌تصویر کشیده می‌شوند و درواقع نویسنده تلاش دارد بگوید که گاه اشتباهات انسان‌ها در گذشته (که به واسطه آداب اشتباه فرهنگی اتفاق می‌افتند) نه‌تنها بر آینده خودشان بلکه بر آینده چند نسل تأثیر می‌گذارد.

خوش ریتم

از عناصر مهم فیلمنامه آنام، حفظ تعلیق آن است. به‌رغم طولانی بودن سریال، کار ضرباهنگ خود را از دست نمی‌دهد و دچار بی‌کششی نمی‌شود. با باز شدن هر گره، گره تازه‌ای پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد که برای باز شدن آن باید صبر کند و همین تو در تویی رویدادها و پیچیده شدنشان به کار ریتم بخشیده و مخاطب را برای دانستن دنباله آن مشتاق نگاه می‌دارد. گاه البته، حجم اتفاقات و رخدادها در کار بیش از اندازه زیاد می‌شود و هجوم مسلسل‌وار رویدادها از کیفیت کار می‌کاهد؛ مثلا همزمانی بیماری مارال (گلچهره سجادیه) و آرزو (شبنم قلی‌خانی) را در نظر بگیرید به‌علاوه بحران‌های متعدد داستان که مربوط به گذشته‌اند، مثلا رازهایی که شخصیت‌های مختلف به دوش می‌کشند، تهدیدها، فشارهای شدیدی که همه این اتفاقات بر امید (عبدالرضا اکبری) و مارال وارد می‌کند و ... که شاید به تصویر کشیده شدنِ همه اینها در طول یک روایت تاحدودی اغراق‌آمیز باشد.

مجموعه درستی از بازیگران

یک اثر دراماتیک، زمانی می‌تواند خوش‌ساخت تلقی شود که مجموعه درستی از انتخاب‌ها باشد؛ جدا از فیلمنامه کار که به ضعف و قوت‌هایش اشاره شد، آنام مجموعه درستی از بازیگران را کنار هم قرار داده است. مارال شخصیت کلیدی سریال است و شاید گلچهره سجادیه، بازیگر گزیده‌کار سینمای ایران، دور از ذهن‌ترین گزینه‌ای بود که جواد افشار می‌توانست برای ایفای این نقش برگزیند. اتفاقا همین دور از ذهن بودنِ انتخابِ کارگردان است که سجادیه را به‌شدت موردتوجه و استقبال مخاطب قرار می‌دهد. سجادیه، بازیگر سال‌های دور سینمای ایران، ویژگی مهمی دارد که در ایفای نقش مارال به کارش آمده است.
فیزیک و فرم چهره‌اش، نوع و نحوه صحبتش و میمیکش که توامان معصومیت، جدیت و وقار را القا می‌کند، وی را به بازیگر مناسبی برای ایفای نقش زنانی از دو طبقه مختلف اجتماعی تبدیل کرده است. اوهمان‌قدر که می‌تواند اصالت و جدیت یک زن کارآفرین و متمول را با مهارت به منصه‌ظهور بگذارد، قابلیت آن را دارد که زنی را با بغضی فروخورده از طبقات فرودست اجتماعی با کوله‌باری از مشکلات مالی و ... نیز به‌تصویر کشد و این همان ویژگی اصلی است که مارال و به‌عبارتی ماهگل در آنام باید داشته باشد. سجادیه، وقتی حضور در کاری را می‌پذیرد خودش را تمام و کمال در اختیار آن نقش قرار می‌دهد و نقش را از خود عبور می‌دهد؛ همین ویژگی باعث می‌شود حضور درخشانش دیگر بازی‌های کار را تاحدودی در سایه خود قرار دهد. البته همان‌طور که اذعان داشتم، موفقیت و باورپذیری بازی‌های آنام حاصل کار تمامی بازیگران آن است. نمی‌توان از این سریال نام‌برد و به بازی بسیار به‌اندازه و به‌جای مهرانه‌مهین‌ترابی اشاره‌ای نکرد. ریحانه، شخصیتی برون‌گراتر نسبت به مارال دارد. او برخلاف مارال چیزی را پنهان نمی‌کند و رازی را با خود حمل نمی‌کند و به واسطه همین آن محافظه‌کاری و درون‌گرایی دشوارِ بازی سجادیه به‌شکل کاملا عامدانه‌ای در بازی او دیده نمی‌شود. عبدالرضا اکبری نیز مثل همیشه درخشان است و البته سیامک صفری در قالب نقش بسیار حساس و دشوارش آن‌قدر خوب ظاهر شده است که همان حضور کوتاهش در هر قسمت انرژی مضاعفی را به کار تزریق می‌کند. شخصیت سهند، کاملا چندلایه است؛ او نیز همچون امید، راز تعویض نوزادان را ۳۰ سال تمام به‌دوش کشیده است و با همه اینها هرگز عشقی را که مدنظرش بوده از همسرش دریافت نکرده است و حسن بزرگ کار صفری آن است که در قالب کمترین دیالوگ‌ها و به واسطه بازی حسی و درونی‌اش غصه و احساس شدید عذاب‌وجدان سهند را در مقابل مارال به بهترین شکل به نمایش می‌گذارد.

گوشنواز

موسیقی متن و تیتراژ کار از دیگر بخش‌های مثبت آن به‌شمار می‌رود، چراکه بافت و جنس موسیقی با فضای فولکلور و پیشینه شخصیت‌ها کاملا هماهنگ است.

پرهیز از سیاه‌نمایی

از نقاط قوت کار پرهیز آن از سیاه‌نمایی است. به‌رغم آن‌که افشار کوشیده است، در وهله اول، کار را موردپسند مخاطب عام بسازد، اما وجوه رئالیستی آن را نیز حفظ می‌کند و به بیراهه نمی‌رود. او در به تصویر کشیدنِ خانواده‌های متمول و امکاناتشان دست به خودسانسوری نمی‌زند، هیچ‌یک از شخصیت‌هایش، از مارال گرفته تا امید و حتی تیمور، سیاه و سفید مطلق نیستند و جز کبیر که ضدقهرمان داستان است، از الگوی قهرمان‌پرور فاصله می‌گیرد تا شخصیت‌ها و وقایعی که برآنها می‌گذرد بر باور مخاطب بنشینند.
مرگ شخصیت اصلی داستان در پایان سریال، مهر تأییدی بر این مدعاست. افشار با پرهیز از دستکاری منطق روایی و بدون واهمه از تلخکامی مخاطب در انتهای کار، با مرگ مارال تیر خلاصش را شلیک می‌کند تا داستان در نقطه‌ای درست و منطقی به پایان برسد و این سریال و شخصیت خاص و ویژه مارال (که نمونه‌اش را در کمتر سریالی دیده‌بودیم) برای همیشه در ذهن تماشاگر باقی بماند.

> یک اثر دراماتیک زمانی می‌تواند خوش‌ساخت تلقی شود که مجموعه درستی از انتخاب‌ها باشد؛ جدا از فیلمنامه کار که به ضعف و قوت‌هایش اشاره شد، آنام مجموعه درستی از بازیگران را کنار هم قرار داده است